

## اوضاع جهان و راه حل معضلات افغانستان

اوضاع جهان:

چهره جهان با سرعت در حال تغيير است. قانون جنگل کرسی عدالت را در قصرها اشغال کرده. معادله زور و حق يك لنگه شده. زر چشمان حق و انصاف را کور کرده. مليون ها انسان بخاطر زر کشته شده ميروند. دکتاتوري دسته جمعي اتومي، رهبري و حاکميت ملل جهان را در وجود شوراي امنيت همچنان در انحصار مطلق خود گرفته و راه اصلاحات و ريفورم هاي ديموکراتيك را در سازمان ملل متحد سد نموده. دست و پاي ديموکراسي در سازمان ملل قطع شده، بدنه بي حرکت آنرا مجمع عمومي نام نهاده اند که سال يك مرتبه جلسه مينمايند و بر اوضاع جهان و احوال بشريت تبصره و تأسف مينمايند. کار و عمل تأمين صلح، انصاف و عدالت و رهايي مظلوم از چنگ ظالم در جهان از دست شان ساخته نيست. همه پاليسي هاي جهاني دورمنافع قدرت هاي اتومي جهان ميچرخد. اکثریت مردم و کشور هاي جهان که بم اتموم ندارند يك نماينده دايمي با حق ویتو هم در شوراي امنيت ندارند. بازي هاي افتراء آميز، تهديد، تخويف، دسيسه، انکار از حقايق و تحريك اختلافات، دشمني ها، جنگها و مداخله در امور ديگر کشور ها جزء فرهنگ سياست جهاني شده است. از آزادي، عدالت، ديموکراسي و حقوق بشر بحيث شعار و روپوش در دسايس، تجاوزات و جنگ ها استفاده ميشود. شبكات استخبارات فرعوني در تارو پود جوامع بشري و در دستگاه دولت ها رخنه کرده، غير مستقيم بر کشور ها حکومت ميکنند. ائقال استثمار کشور هاي استعماري کمر کشورهاي ضعيف و عقب مانده اما ثروتمند جهان را خم کرده است. مردمان همين کشورهاي غني زير خط فقر زندگي مينمايند. افغانستان هم در دام و تهلكه زور و زر گيرمانده، تلفات و قرباني هاي بيجا و بي هدف بر مردم ما تحميل شده و ميشود. رهايي مردم و کشور ما از چنگ و جنگ تروريزم رهبري شده و ضد تروريزم بعيد به نظر ميرسد. گروه هاي انتحاري تحت قومانده تروريزم

رهبري شده خودها را انفجار ميدهند و مردم را هم به قتل ميرسانند. مجرمان و جنايت کاران اصلي و حرفوي انتحاري که اطفال، نوجوانان و افراد محتاج به زنده ماندن را در ازاء کليد جنت و در بدل پول براي حملات انتحاري مغزشويي، بيچکاري و آماده ميسازند در امنيت عام و تام بسر ميبرند. هيچ کس در فکر دست گيري آنها نيست. مگس ها از همه قاره هاي جهان در اطراف ذخاير شيرين انرژي و ثروت هاي زير زميني در آسيا و افريقا جمع شده وز وز ميکنند. مکروب و ويروس هاي جنگ را در اين دو قاره جهان انتقال داده آتش جنگها را شعله ورساخته اند و از آن بهره برداري سياسي و اقتصادي مينمايند.

در جهان امروز قوانين جنگل حکمفرمايي مينمايد. هيچ کس و هيچ کشور مصئونيت حقوقي و قانوني ندارد. سرمايه داران بزرگ و کشور هاي قوي و نيرومند جهان روي خصلت کسبي، خودخواهي و منافع شخصي شان، نان و دارايي هاي انسان ها و کشور هاي ضعيف و ناتوان را غرض ازدياد، تراکم و انحصار سرمايه هاي شان غصب و به يغما ميبرند. حتي بالاي کره زيبا و زندگي آفرين زمين، اين مادر طبيعي انسانها، همه مخلوقات زنده و نباتات هم رحم نکردند و نميکنند. محيط زيست را بخاطر کسب سرمايه هاي شخصي شان تخريب و آلوده ساخته و ميسازند. که شرايط زندگي را در کره زمين روز تا روز تنگ تر ساخته ميروند. منابع و ذخاير سرشار ثروت هاي طبيعي را با اسراف استخراج و بمصرف ميرسانند در فکر نسلهاي آينده جهان نيستند و چيزي براي آنها باقي نمي گذارند. سلاحهاي پيشرفته کشتار دسته جمعي بخصوص بمهاي مخرب اتومي، هاي دروجني و راکت هاي قاره پيما را به پيمانه وسيع توليد و در زراد خانه هاي شان انبار و ذخيره کرده به اطفال شان بميراث ميگذارند. کي تضمين ميکند که در آينده، روزي از آن ها بحيث سلاح کارتونيک اطفال استفاده نخواهد شد. بشريت يك بار استعمال بم اتوم را تجربه کرده. هولناک و فاجعه آميز است. تر و خشک را يکسان ميسوزاند. زندگي مردمان اتوم زده و نسلهاي آينده شانرا با رنج و مثيبت مبتلا ساخته است. استعمال بار دوم بم اتوم شرايط زندگي رادر کره زمين بکلي از بين ميبرد. بايد همه بم هاي کشتار هاي جمعي محو

و نابو شوند. اما این کار را نمیکنند بخاطریکه آنرا بنفع حاکمیت دیکتاتوری شان نمیدانند. حادثه ۱۱ سپتامبر نقطه عطف در تاریخ بشریت محسوب میشود که بزرگترین ضربه را چند نفر تروریست برپیکر امنیتی و استخباراتی بزرگترین قدرت نظامی و استخباراتی جهان، ایالات متحده آمریکا وارد نمودند و با مهارت معجزه آسا توانستند چهار فروند طیارات شرکت هوایی را همزمان از میدان هوایی اختطاف و به مقاصد تروریستی شان در نیویارک و واشنگتن بکار بردند و دو برج عمارت تجارت جهانی را از تهداب تا انتها تخریب و منهدم ساختند که موقف ابر قدرت آمریکا را زیر سوال برده است. وسعت فروپاشی برجهای مذکور باعث سردرگمی هفتصد مهندس ساختمانی آمریکا گردیده. مهندسین مذکور در اظهارات ویدویی شان در انتر نت رویداد انهدام برجهای مرکز تجارت جهانی را يك "ویران سازی کنترل شده" ارزیابی کرده و تقاضای مجدد تحقیق حادثه تخریب عمارات را نموده اند.

اما طغیان خشم دولت مردان آنوقت آمریکا، افغانستان را هدف حمله نظامی قرار داد. که تا امروز افغانستان در خون و آتش غضب دولت آمریکا و جنگ تروریسم و ضد تروریسم میسوزد. در حالیکه هیچ افغانی در جمله تروریستان در حادثه ی مذکور شرکت نداشت. آقای بوش حادثه ۱۱ سپتامبر را جنگ صلیبی اعلام کرد. آمریکا بحیث یگانه ابر قدرت جهان اجندا نظم نوین جهانی خود را به جهانیان اعلام نمود. حکومت غیر مرئی و جمعیت سری آمریکا که بیش از يك قرن قدرت را در عقب پرده در دست داشت و دارد در وجود جناح محافظه کار نوین ( نیو کانزر و بیتیف) يك بخش آن در روی صحنه برآمده که از ائتلاف صیهونست ها و انساب فراعنه مصر قدیم تشکیل گردیده که قدرت سیاسی، اقتصادی، نظامی، استخباراتی، نشراتی و تبلیغاتی وسایل ارتباطات جمعی را در آمریکا و بعضی کشورهای دیگر و جهان در کنترل و انحصار خود گرفته اند.

قرار اسناد ویدویی که تحت عنوان (The arrivals) که شامل ۱۲ بخش ویدویی میباشد. در صفحه انترنیتی یوتیوب ( Youtube ) بمعرض نمایش گذاشته شده است، این حقیقت را

مبهرن ساخته ، که کنترول جهان امروز در بخش های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی، استخباراتی، تبلیغاتی و رسانه های طباعتی و الکترونیکی با اکثریت فیصدی در انحصار همین نیرو های مؤتلفه صیهونست ها و انساب فراعنه میباشد. که یکی از علایم مشخصه بنیاد صیهونیزم و فراعنه عبارت از علامه مثلث که در بین آن یک چشم دیده میشود و با نشان سه مثلث بیرق اسرائیل شباهت دارد و همین مثلث یک چشمه در نشان دالر نوت امریکا نیز منقوش میباشد، مبین این حقیقت است که ائتلاف فراعنه و صیهونیزم جهان را از یک چشم نگاه میکنند. بعد از آزادی امریکا بحیث مقتدر ترین بنیاد و جمعیت سری (حکومت غیر مرئی) در امریکا تشکیل گردیده که امروز خاندان جورج بوش در صدر فعالین آن قرار دارند، که آجنداً بنیاد ائتلافی شانرا در چوکات "نظم نوین جهانی" بالای افغانستان و عراق که غنی ترین و ثروتمندترین کشور دست ناخورده منطقه میباشدند تطبیق و عملی نمود. و صد ها هزار انسان مظلوم را به کام مرگ فرورد. که همین بنیاد از جمله حامیای درجه اول دولت اسرائیل است و زور و زر جزء عقیده و اهداف ستراتیژیک شان میباشد.

قوای نظامی امریکا هزارها کیلومتر دورتر، میخواهد امنیت امریکا را در افغانستان تأمین نماید. بن لادن هیروی حادثه ۱۱ سپتامبر بخاطری خود را پنهان کرده و دستگیر شده نمیتواند که با کنار رفتن وی از صحنه نقش القاعده و درامه تروریزم نیز خاتمه میابد. رقبای جهانی و منطقوی امریکا هم، امنیت کشور های شانرا در ادامه جنگ تروریزم با امریکا در افغانستان میدانند. تلاش دارند حضور نظامی امریکا را در افغانستان دوامدار تر سازند تا امریکا و ناتو در این جنگ فرسایشی آنقدر ضعیف شوند که فکر اشغال دیگر کشور ها را از برنامه های پیشروی شان حذف و سرانجام افغانستان را ترک نمایند. این کشمکش های خونین جهانی و منطقوی در افغانستان امنیت، صلح، زندگی، استقلال، آزادی، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی مردم و کشور ما را بمخاطره انداخته است. و زمینه را برای چور و چپاول آن ثروت های زیر زمینی و معادن افغانستان مهیا ساخته که بصورت

فوري و عاجل قابل استخراج ميباشند.

## در چنين اوضاع و احوال جهاني و منطقوي افغانها چه کرده ميتوانند؟

اوضاع داخلي افغانستان از چه قرار است.

بیش از سی سال میشود که افغانها در جنگ و کشتار گرفتار هستند. تا هنوز علیه یکدیگر دندان خاّبی میکنند. استعمار جهاني و منطقوي دو اصل استعماري را بالاي جامعه ما تحميل کرد. ۱. ترویج فساد، رشوت و اختلاس. ۲. تحريك اختلافات و تشديد تفرقه، نفاق و دشمني در بين مردم وبخصوص در بين قشر هاي تعليم یافته و روشنفکرافغانستان. هدف اين دو اصل جلوگيري از وحدت ملي و ايجاد قشر نوکر صفت استعمار ميباشد. تا زمانیکه افغانستان تحت اشغال است نه فساد اداري، رشوت و اختلاس فروکش میکند و نه وحدت ملي جامعه عمل مپوشد. زیرا جامعه ايکه در رشوت، اختلاس، نفاق و تفرقه آغشته و مبتلا باشد. استعمار يون ميتوانند به آساني بالاي آن جامعه حکومت نمایند.

نفاق و دشمني ها در لباس دين و مذهب، قوم و نژاد، اقليت و اکثريت سمت و لسان دامن زده ميشود. نظام سياسي و قوانين کشور طوري طرح ريزي گرديده که همه زمينه ها و راه هاي وحدت ملي را باريکترو تاريکتر ساخته است.

با تأسف که همه جناح هاي در گير در فعاليت هاي سياسي، اجتماعي، فرهنگي و جنگي در سه دهه اخير بدرجات مختلف مرتکب اشتباهات شده اند که بعضي اعضا و افراد شان بحيث مجرمين جنگي نیز قلمداد شده است. اشتباهات و جنايات هر شخص و گروه ثبت تاريخ شده که با انکار و تبليغات نه کم و نه زياد شده ميتواند. در حال حاضر هم، اشتباهات و جنايات زیر چتر قواي خارجي ادامه دارد. آقای کرزي همين قاتلان ديروز و امروز را برادران آزردہ خاطر اعلام مينمايد. براي شان کرنش میکند که بياييد که با هم اتحاد کنیم همه امتيازات بشمول سهم بیشتر در دولت بشما داده خواهد شد. آقای کرزي نميداند که در عقب اين برادران آزردہ خاطر کدام جنايت کاران حرفوي و دشمنان خارجي افغانستان موضع گرفته ، قومانده و رهبري شان در دست کدام شبکات

استخبارات نظامی میباشد. آیا با امتیاز دادن به گروه های افراطی مذهبی و بیاده های شطرنج نظامی تروریسم، میتوان افغانستان را از شر تروریسم صادر شده از پاکستان نجات داد. درحالیکه تنظیم، اداره، رهبری، جلب و جذب، تربیه، مراکز قومانده و سوق الجیشی تروریسم در پاکستان دست ناخورده باقی مانده است. که هرآن میتواند ماشین تروریسم را فعال ساخته و به افغانستان، هندوستان، روسیه، عراق و یمن که در گذشته ها در سیاست جهانی موضع هماهنگ و مشترک داشتند صادر نماید. تا زمانی که رهبری، اداره، مراکز و پایگاه های تربیه و سوق الجیشی تروریسم در پاکستان بسته و از بین برداشته نشود، امنیت افغانستان، هندوستان، روسیه، عراق و یمن از خطرات تروریسم مصئون نخواهد ماند. این امر تصادفی هم نیست. تروریسم یعنی پاکستان است که امنیت این پنج کشور را بمخاطره انداخته و میاندازد. مردم افغانستان آنها را بارها امتحان کرده و چهره های شان را خوب می شناسند. جهانیان هم دولت آنها را تا آخرین لحظات سقوط شان برسمیت نشناختند. مردم افغانستان همه چیزها را خوب میدانند و آقای کرزی مغایر خواست و اراده مردم با مسایل ملی افغانستان معامله مینماید. آقای کرزی فراموش کرده که با تشکیل حکومت مجاهدین در افغانستان امریکا افغانستان را فراموش کرد و سرنوشت افغانستان را به پاکستان واگذار کرد و پاکستان توانست از طریق ملیشایی خود تحت نام طالبان و تسلیمی بدون مقاومت مجاهدین، افغانستان را اشغال کرد که از جمله تاریکترین دوره تاریخ افغانستان بشمار میاید. حال در آستانه خروج عساکر امریکا و ناتو از افغانستان عین اشتباهات بار دیگر تکرار میشود. آقای کرزی و دولت اش به سطح ملی و بین المللی بکلی بی اعتبار شده است.

قبل از سقوط دولت آقای کرزی و خروج عساکر امریکا و ناتو از افغانستان باز هم حاکمیت افغانستان به افراطیون مذهبی، این دست پرورده های پاکستان واگذار میشود. و پاکستان در عقب پرده بالای افغانستان حکومت خواهد کرد. چنانچه در دوره حاکمیت طالبان این کار را کرد. با چنین برنامه ها جنگها در افغانستان ادامه پیدا میکند.

در این روزها اخبار خروج عساکر امریکا از یکطرف و نشر خبر ایجاد سه پایگاه نظامی امریکا در افغانستان از جانب دیگر شنیده میشود. این تناقض گویی مردم را نگران و بهت زده ساخته که بالاخره سرنوشت افغانستان بکجا خواهد انجامید. علایم فعلی نشان میدهد که امریکا و ناتو در سال ۱۳۰۲ از افغانستان خارج میشوند. اگر در مدت چهارسال آینده اوضاع به نفع امریکا و ناتو در افغانستان، پاکستان و منطقه تغییر نکند.

اگر واقعاً امریکا عساکر خود را از افغانستان خارج میسازد و قصد ایجاد پایگاه نظامی را در افغانستان ندارد. بهترین راه برای امریکا اینست که حاکمیت افغانستان را به خود مردم افغانستان واگذار نماید هم صلح در افغانستان تأمین میشود و هم دوستی ستراتیژیک امریکا و افغانستان با قوت خود باقی میماند. در غیر آن برنامه ائتلافی آقای کرزی با گروه‌های افراطی مذهبی زمینه بحران جدید و جنگ‌های استخبارات منطوقی و جهانی را در وجود گروه‌های وابسته داخلی بار دیگر فراهم میسازد. و جنگ‌های داخلی بخاطر کسب قدرت شعله ور میشود. که جنگ‌های مذکور به کشورهای همسایه و سایر کشورها هم گسترش خواهد یافت. این راهیست که آقای کرزی و دولت اش انتخاب کرده است.

اما اگر از نگاه و نقطه نظر مصالح و منافع ملی حل قضایای کشور خود را ارزیابی نماییم نه از دیدگاه حفظ قدرت، تمایلات قومی و نژادی، عقده‌ها و انتقام جویی‌ها، به تصامیم جمعی بهتر و معقول‌تر و همگانی‌تر به نتیجه میرسیم. بهترین راه حل بحران افغانستان فراخوان و دعوت جرگه سراسری عفو عمومی، اُشتی ملی و قطع جنگ میباشد که در آن اعضای لویه جرگه، همه جناح‌های سیاسی، قومی، مذهبی و جنگی از قبیل گروه طالبان، هفت تنظیم جهادی سنی مذهب، هشت تنظیم شیعیه مذهب، حزب دیموکراتیک خلق افغانستان، جبهه متحد ملی و سایر احزاب و سازمان‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، دانشمندان، حقوق دانان و قضات برجسته، نمایندگان جوانان و زنان کشور در یک کنفرانس ملی دعوت شوند. هدف این گردهمایی را عفو عمومی و همگانی، اُشتی ملی، قطع جنگ و تطبیق دیموکراسی شفاف به اساس رأی آزاد، مستقیم و سری مردم تشکیل

می‌دهد که در آن آرگان‌های دولتی، رهبران مذهبی و قومی دخالت ننمایند. چنین توافقات در گرد همایی ملی به دشمنی‌های گذشته خاتمه می‌بخشد و یک فصل نوین را در تفاهم بین افغانی، اتحاد و وحدت ملی افغانستان باز مینماید. و زمینه را برای انتقال از فرهنگ جنگ به فرهنگ راه حل‌های سیاسی و انتخاباتی فراهم می‌سازد. هر شخص و هر جبهه ای که در انتخابات برنده شود دیگران باید آنرا قبول و اطاعت نمایند و در جبهه مخالف نقش شانرا ادا نمایند و برای انتخابات آینده آمادگی بگیرند. و قتی که عفو عمومی اعلام شود هر فرد افغانستان مکلف است آنرا قبول و رعایت نماید و از تخریبات یکدیگر دست بردارند. اگر بعضی افراد و حلقات معلوم الحال و انتقام جو فیصله‌های جرگه عمومی را نپذیرند و در صف دشمنان افغانستان به تخریبات خود ادامه بدهند یکجا با دشمنان افغانستان وقتاً فوقتاً اختلافات و دشمنی‌ها را دامن و پکه خواهند زد که در نهایت مردم مظلوم افغانستان کفاره آنرا برای سالیان متمادی خواهند پرداخت. که جلوان در اول مرحله باید گرفته شود. باهمه اشتباهات که همه مرتکب شده‌اند و یا هر کس به هر عقیده ای که هست حتی عالیترین محکمه نمیتواند حقوق شهروندی آنها را صلب نماید. بنابراین عفو عمومی و اشتهای ملی یک ضرورت مبرم اسلامی، ملی و تاریخی میباشد که کشور ما را از پرتگاه سقوط و تجزیه نجات میدهد. وحدت ملی، استقلال، آزادی و حاکمیت ملی افغانستان را اعاده و تضمین مینماید.

اما حقوق افراد را به استثنای خود شان هیچ کس و مقام دیگری عفو کرده نمیتواند. بنابراین برای اعاده حقوق افراد باید یک محکمه خاص ساخته شود تا چنین دعاوی را حل و فصل نمایند. این فراخوان عفو عمومی و اشتهای ملی را کدام مرجع سازمان داده میتواند؟ شخصیت‌ها، سازمان‌ها و دولت‌های ملی چنین جرگه‌های ملی را دعوت نموده و سازمان میدهند.

هموطنان گرامی، اگر شما هم پیشنهاد فوق را به حال و احوال مردم و کشور مان در شرایط کنونی مفید و مؤثر میدانید، بیایید که برای تحقق عفو عمومی و اشتهای ملی مشترکاً



کار و مبارزه نماییم. امید میرود که از ابتکارات و همکاری های تان در برگزاری چنین گردهمایی ملی دریغ نفرمایید. تا به لطف و مرحمت خداوند فضای دوستی و برادری و اخوت اسلامی در جامعه اسلامی افغانستان دوباره اعاده، مستقر و برقرار شود. و همه مردم ما در فضای آشتی، صلح و آرامش زندگی نمایند و از ثروت و دارایی های طبیعی که خداوند بجا ارزانی نموده از آنها حفاظت و حراست نموده، در راه پیشرفت و ترقی کشور و رفاه و آسایش مردم خود مشترک آنرا بکار انداخته و از آن استفاده نماییم.

ما نسل کهن چه مذهبی و چه سکولار مرتکب اشتباهات زیاد شده ایم. مغزهای ما پُر از تخیلات خودخواهی، قدرت طلبی، منافع شخصی، عقده ها و انتقام جویی ها میباشد که ما نتوانسته ایم مسایل ملی، مشکلات، پرابلم های سیاسی، اجتماعی و اختلافات ذات البینی خود را از طرق مفاهمه، مذاکره طور دوستانه و صلح آمیز حل و فصل نماییم. ما نباید این تخیلات کشنده خود را به نسل های نو و جوان کشور خود انتقال بدهیم و زندگی فردی، سیاسی و اجتماعی آنها را نیز مانند خود تیره و تار بسازیم. بگذارید که آنها در باره خود و آینده کشور شان خود مستقلاً بیاندیشند و تصمیم بگیرند.

خداوند یار و مددگار مردم و کشور ما افغانستان باشد. و من الله توفیق

۲ جدي ۱۳۸۹

